

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۸/۰۹/۲۹

موضوع: «امامت و خلافت»، چالشی ترین موضوع اسلامی!

(سخنرانی در مسجد حضرت زینب، پردیسان)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

«امامت و خلافت»، چالشی ترین موضوع اسلامی!

مصیب عظمی در حوزه های علمیه!!

نزول آیه اکمال در «عرفه» یا «غدیر»؟

نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، فضای مبارکی برای شیعه

آیا «سفیانی» که از نشانه های ظهور است، اکنون زنده است؟

آیا نام ائمه از زمان رسول اکرم مشخص بوده است؟

چرا اهل سنت در پذیرش حق لجاجت می کنند؟

نقش مثلثی شوم، در تشکیل فرقه وهابیت!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و خدا را شاکریم که به ما توفیق داد در جمع شما عزیزان و بزرگواران حضور یابیم و دقایقی با یکدیگر سخن بگوییم.

همانگونه که عزیزمان هم اشاره کردند، قرار شد ما در جمع شما بزرگواران حضور داشته باشیم و دقایقی مبحث کلی مربوط به امامت تقدیم کنیم و در ادامه سؤالات عزیزان را در حد توانمان پاسخ بگوییم و در خدمت عزیزان باشیم.

### «امامت و خلافت»، چالشی ترین موضوع اسلامی!

امروز یکی از اساسی‌ترین شبهاتی که متوجه فرهنگ اهل بیت است، موضوع امامت و ولایت است. البته این قضیه، قضیه‌ای تازه نیست. به تعبیر آقای «شهرستانی» در کتاب «الملل و النحل» که می‌نویسد:

«ما سل سيف في الإسلام على قاعدة دينية مثل ما سل على الإمامة في كل زمان»

الملل والنحل، المؤلف: أبو الفتح محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد الشهرستاني (المتوفى: ٥٤٨ هـ)،

الناشر: مؤسسة الحلبي، ج ١، ص ٢٤، باب المقدمة الرابعة

در هیچ امری همانند موضوع امامت اختلاف و جنگ و نزاع و شمشیرکشی نبوده است. حتی این قضیه مربوط به بعد از رحلت نبی گرامی اسلام هم نیست که موضوع امامت مورد تاخت و تاز دیگران بوده و مخالفت به خاطر آن به وجود آید.

در زمان رسول گرامی اسلام وقتی موضوع امامت و ولایت امیرالمؤمنین مطرح بود، از گوشه و کنار، منافقین و معاندین و کسانی که دنبال ریاست آینده اسلامی بودند هرکدام شروع به اختلاف و جنگ و درگیری کردند.

در همان روز اول، نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) بعد از نزول آیه شریفه:

**(وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ)**

خویشاوندان نزدیکت را انداز کن.

**سوره شعراء (۲۶): آیه ۲۱۴**

سه مسئله اساسی را در جمع چهل نفره سران قریش مطرح فرمودند. مسئله اول این بود که حضرت ندای «قولوا لا

إله إلا الله تفلحوا» سر دادند و به مردم دستور دادند که دست از بت پرستی بردارید.

مسئله دوم این بود که حضرت نبوت خود را اعلام کرد. مسئله سوم این بود که فرمود:

**«أدعوكم إليه فأیکم یؤازرنی علی هذا الأمر علی أن یکون أخی ووصی و خلیفتی فیکم»**

ما کاری به کتب شیعه نداریم، اما در کتب اهل سنت در ادامه روایت وارد شده است:

**«فقام القوم یضحکون ویقولون لأبی طالب قد أمرک أن تسمع لابنک وتطیع»**

قوم مسخره کردند و به ابوطالب گفتند که تو مأمور شده‌ای از فرزندت حرف شنوی و تبعیت کنی.

**تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبی جعفر محمد بن جریر الطبری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۱،**

**ص ۵۴۳، باب ذکر الخبر عما کان من أمر نبی الله عند ابتداء**

ظاهراً در آن زمان سن امیرالمؤمنین از شانزده سال تجاوز نکرده بود. یا در قضیه حدیث شریف:

« سد الأبواب کلها إلا باب علي »

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین ابي سعید عمر بن

غرامة العمري؛ ج ۴۲، ح ۱۲۲

مشاهده کنید که صحابه چه غوغایی علیه رسول اکرم بر پا کردند با این بهانه که او پسرعموی خود را بر دیگران مقدم می‌دارد. رسول گرامی اسلام بالای منبر فرمود:

« ما أنا فتحت بابه ولا سدت أبوابكم بل الله فتح بابه وسد أبوابكم »

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین ابي سعید عمر بن

غرامة العمري؛ ج ۴۲، ح ۴۳۵

همچنین در قضیه تزویج حضرت صدیقه طاهره افراد زیادی از جمله خلیفه اول و خلیفه دوم و دیگر بزرگان قریش برای خواستگاری صف کشیده بودند. نبی گرامی اسلام دست رد به سینه همه خواستگاران زد و به امیرالمؤمنین پیام داد که تو برای خواستگاری بیا.

مشاهده کنید که بعد از آن چه شبهات، مسائل و غوغاهایی به پا کردند. در بعضی از روایات وارد شده است که رسول گرامی اسلام قسم یاد می‌کنند و می‌فرمایند: به خدا سوگند من زهرا را به عقد علی درنیاوردم و خدا زهرا را به عقد علی درآورد.

مشاهده کنید نبی گرامی اسلام بیست و سه سال برای مردم زحمت کشیدند؛ مردمی که سوسمارخوار بودند و از فرهنگ بهره‌ای نداشتند.

به تعبیر بعضی از منابع، اعراب جاهلیت جلوی پیغمبر اکرم می‌نشستند، در حالی که سرشان را بر زمین می‌گذاشتند و با پاهایشان از دیوار بالا می‌رفتند.

اعراب جاهلیت از پیغمبر اکرم درخواست می‌کردند که برایشان داستان بگوید. وقتی پیغمبر اکرم از نعمت‌های بهشتی می‌گفت، می‌پرسیدند: یا رسول الله! آیا در بهشت جنگ و جدال و قتل و غارت هم هست؟ حضرت می‌فرمود: خیر! اعراب می‌گفتند: بهشتی که جنگ و جدال و قتل و غارت در آن نباشد، به درد ما نمی‌خورد!!

رسول گرامی اسلام این مسلمانان را به مرحله‌ای از ایمان رساند که در شهادت از همدیگر سبقت می‌گرفتند، اما در لحظات آخر عمر با حضرت چکار کردند که پیغمبر اکرم با قلب شکسته و دلی پر از حزن و غم از میان امت رفت. حضرت در آخرین لحظات فرمود:

« هَلُمُّوا أَكْتُبْ لَكُمْ كِتَابًا لَا تَضْلُونَ بَعْدَهُ »

قلم و کاغذی بیاورید تا کتابی بنویسم که هیچگاه گمراه نشوید.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ١٦١٢، ح

اما پاسخ آنها این بود که گفتند:

« قَدْ غَلَبَ عَلَيْهِ الْوَجَعُ »

این مرد بیماری بر او غلبه کرده است و دارد هذیان می‌گوید.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن

كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص ٢١٤٦، ح

٥٣٤٥

«ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» به طور مفصل نقل کرده است که پیغمبر اکرم می‌خواست برای مردم چه بگوید که مردم به حضرت نسبت هذیان دادند. همه فهمیدند که مراد پیغمبر اکرم این است می‌خواهد اسامی خلفا و ائمه بعد از خود را معین کند.

«بدرالدین عینی» همین مطلب را در کتاب «شرح صحیح بخاری» نقل کرده است. «قسطلانی» همین مطلب را در کتاب «إرشاد الساری» نقل کرده است. بسیاری از دانش آموختگان دانشگاه الأزهر هم همین تعبیر را در آثارشان دارند.

پیغمبر اکرم می‌خواست نام ائمه اطهار و خلفای بعد از خود را معین کند. «ابن ابی الحدید» از قول خلیفه دوم نقل می‌کند که به «ابن عباس» گفت: آیا می‌دانی که پیغمبر اکرم در آخر عمر چه مطلبی می‌خواستند بفرمایند؟ «ابن عباس» گفت: شما بفرمایید. گفت:

« ولقد أراد في مرضه أن يصرح باسمه فمنعت من ذلك»

پیغمبر اکرم می‌خواست نام علی را به عنوان خلیفه معین کند که من جلوی او را گرفتم.

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني،

دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد

الكریم النمري؛ ج ١٢، ص ١٤

بنابراین قضیه شبهه‌ای که امروزه درگیر آن هستیم، قضیه تازه‌ای نیست که ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با این شبهات مواجه باشیم یا در عصر اطلاعات و فضای مجازی با آن مواجه باشیم.

حال تفاوتی که امروز با گذشته دارد، این است که در گذشته شبهات در یک گوشه‌ای بود و در مدت طولانی دست به دست هم می‌چرخید و به گوش دیگران می‌رسید. ولی امروز فضای مجازی وسیله‌ای شده است که شبهات در کوتاه‌ترین زمان به گوش بسیاری از جمعیت در اقصی نقاط جهان می‌رسد.

**مصیب عظمی در حوزه های علمیه!!**

مصیبت بالاتر که الان گرفتار آن هستیم این است که اکثریت بزرگواران و اعزاء اهل علم و حوزوی هستند و دوستان غیر حوزوی هم به قدری با حوزویان نشستند که کمال همنشین اثر کرده است.

امروز در داخل حوزه‌های ما افرادی وجود دارد که کج فکر و کج سلیقه هستند و یا گرفتار انحرافات وهابیت شده‌اند که تعداد آنها هم کم نیست. ما باید واقعاً تأسف بخوریم که بعضی از اساتید و افرادی به بهانه‌های مختلف جذب این افراد می‌شوند.

ما نمی‌خواهیم بگوییم این افراد از وهابیت پول می‌گیرند یا اجیر وهابیت هستند، اما عملاً همان حرف‌هایی را می‌زنند که وهابیت دوست دارند و همان مطالبی را منتشر می‌کنند که دشمنان اهلبیت دوست دارند.

من سال گذشته تحصیلی در بعضی از حوزه‌های علمیه همانند مشهد و اصفهان و قم مطالبی را خدمت عزیزان داشتم. این افراد به بهانه‌های واهی، اساس عصمت ائمه اطهار و اساس نصوص ائمه اطهار و امامت را به بهانه‌های مختلف زیر سؤال می‌برند.

ما سال گذشته چند جلسه‌ای در حوزه علمیه اصفهان به آن اشاره داشتیم. این افراد یکی دو نفر هم نیستند، بلکه حدود ده نفر هستند که خودشان درس خارج دارند و گواهی اجتهاد هم از بعضی از آقایان دارند!!

این افراد ادعا می‌کنند که اصلاً ما نصوصی درباره امامت ائمه اطهار نداریم و تمام این نصوص همگی دارای اشکال است و همگی دروغ است.

اصلاً پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین را برای امامت منصوب نکرده بود؛ بلکه حضرت را کاندید کرده بود. مردم به آن بزرگوار رأی دادند یا ندادند، انتخاب امام به عهده مردم است!!

ما تلاش کردیم با این افراد نشست دوستانه علمی داشته باشیم. هفته گذشته خداوند متعال به ما توفیق داد و دو جلسه سه ساعته با یکی از این آقایان داشتیم که در فضای مجازی هم منتشر شد.

سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» تمام بحث‌های این شش ساعت را آماده کرده و در تمام فضای مجازی هم منتشر شده است.

بنده، خداوند و ملائکه را شاهد می‌گیرم که در طول این شش ساعت از این آقای که این همه ادعا دارد، یک حدیث یا آیه‌ای از قرآن کریم که برای مراد خود به آن استناد کند ندیدم.

من گفتم: شما می‌گویید که ما در آیه اکمال یک روایت صحیح نداریم. شما احادیث را بررسی کردید؟ ما نزدیک به چهل و هشت روایت داریم که تعداد زیادی از آنها صحیح است. بنده نمونه‌ای از آن را برای او گفتم.

من به ایشان گفتم: فردای قیامت نزد حضرت فاطمه زهرا و حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) چه جوابی برای گفتن دارید؟ خدا شاهد است که اصلاً او جوابی برای گفتن نداشت.

مجری چندین مرتبه تذکر داد که به این سؤال جواب بدهید. شما که ادعا می‌کنید ما یک روایت صحیح نداریم، ایشان نزدیک به پنجاه روایت از منابع شیعه و اهل سنت دارد.

این فتنه‌ای است که ما در حوزه‌های علمیه گرفتار آن هستیم. ما به بحث‌های فقه و اصول و دیگر مباحث می‌پردازیم و تصور می‌کنیم که تکلیف ما تنها همین است.

روایتی از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) وارد شده است که «مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» حدود هجده روایت با این مضمون آورده است:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزُّكَاةِ وَ الصُّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَنَآذِرْ بِشَيْءٍ كَمَا تُودَى بِالْوَلَايَةِ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۱۸، ج ۳

این مسئله یک روایت یا دو روایت نیست. ما در حوزه علمیه خوانده‌ایم که اگر یک روایت هرچند ضعیف هم باشد و از سه مورد بگذرد، به مستفیض تبدیل خواهد شد و مراجع عظام تقلید ما، طبق این روایت حکم شرعی استنباط می‌کنند.

ما موظف هستیم، هم خودمان روی موضوع ولایت دقت بیشتری کنیم و هم به شاگردان و دوستان و اهل و عیالمان که از ما حرف شنوی دارند توصیه کنیم. فردا فرزندان ما در محیط دبیرستان و دانشگاه با این شبهات مواجه و با فتنه‌های فرهنگی درگیرند.

ایشان حدود ده الی دوازده نفر از شاگردان و دوستان خود را آورده بود. خدا را شاهد می‌گیرم این افراد از خجالت سر خود را پایین انداخته بودند.

ما ابتدا تصور کردیم که ایشان دلیلی دارد و کتاب‌های وهابیت را مطالعه کرده است یا کتب «سید ابوالفضل برقعی» شخص ناصبی یا «قلمداران» را مطالعه کرده است. ما خود را آماده کرده بودیم تا با او بحث علمی داشته باشیم.

### نزول آیه اکمال در «عرفه» یا «غدیر»؟

بدبختی این است که ایشان ادعا می‌کند که من می‌خواهم حرف نو و تازه بزنم. من تمام حرف‌های ایشان را آوردم و گفتم: شما حرف نو می‌زنید!؟ من نمونه‌ای از حرف‌های او را نشان دادم و گفتم: در رابطه با آیه شریفه؛

**(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)**

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

**سوره مائده (5): آیه ۳**

ایشان خیلی اصرار داشت که این آیه در عرفه نازل شده است. من گفتم: شما که ادعا می‌کنید این آیه در عرفه نازل شده است، حرفی تازه است؟ هزار و چهارصد سال قبل «عمر بن خطاب» آن را نقل می‌کند!

بنده تمام صفحات جزوه او را اسکن گرفته بودم و تک تک نشان دادم تا ادعا نکند که این مطالب دروغ است و من چنین حرفی نزدم.

او نوشته است: "به نظر می‌رسد که آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) مربوط به روز عرفه و بعد از او باشد."

من در جواب گفتم: این ادعا حرف جدیدی نیست. این عبارتی است که هزار و چهارصد سال قبل وقتی از عمر بن خطاب در مورد آیه اکمال سؤال می‌کنند، می‌گوید:

«قَدْ عَرَفْنَا ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَالْمَكَانَ الَّذِي نَزَلَتْ فِيهِ عَلَى النَّبِيِّ، وَهُوَ قَائِمٌ بِعَرَفَةَ يَوْمَ جُمُعَةٍ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن

كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ١، ص ٢٥، ح ٤٥

این که شما ادعا می‌کنید آیه اکمال در روز عرفه نازل شده و در غدیر خم نازل نشده است، هزار و چهارصد سال قبل توسط عمر بن خطاب ادعا شده بود.

خداوند آیت الله سبحانی را حفظ کند. ایشان به ساداتی که سر درسشان اشکال می‌کردند، می‌گفت: "دیوار ما کوتاه است و دیوار شما سادات بلند است. جد شما رسول الله است و ما نمی‌دانیم جدمان به «سلمان» و «ابوذر» می‌رسد یا به عمر و ابوبکر!"

حال ما نمی‌دانیم جد این افراد به عمر بن خطاب می‌رسد یا به دیگران می‌رسد. عمر بن خطاب هزار و چهارصد سال قبل گفته است که آیه اکمال مربوط به روز عرفه است و متعلق به غدیر خم نیست. او شاید چهل روایت در این زمینه دارد.

«ابن تیمیه حرانی» هم در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد هفتم صفحه ۳۱۴ می نویسد:

«وَهَذِهِ الْآيَةُ نَزَلَتْ بِعَرَفَةَ تَاسِعِ ذِي الْحِجَّةِ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَالنَّبِيُّ وَقَفَّ بِعَرَفَةَ كَمَا ثَبَتَ ذَلِكَ فِي الصَّحاحِ وَالسُّنَنِ، وَكَمَا قَالَهُ الْعُلَمَاءُ قَاطِبَةً مِنْ أَهْلِ التَّفْسِيرِ وَالْحَدِيثِ وَعَيْرِهِمْ»

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد رشاد سالم، ج ۷، ص ۳۱۴، باب الثاني حديث الغدير

او ادعا می کند که همه علمای اهل سنت بر این عقیده هستند که این آیه در عرفه نازل شده است، حال آنکه ادعای او دروغ است. ما شاید بیش از بیست روایت از اهل سنت داریم که معتقدند آیه اکمال در روز عید غدیر نازل شده است.

در کتاب «تاریخ بغداد» اثر «خطیب بغدادی» که یکی از استوانه های علمی اهل سنت است، جلد ۸ صفحه ۲۸۹ وارد شده است که آیه اکمال در روز عید غدیر نازل شد و خلیفه دوم گفت:

«بخ بخ لک یابن ابی طالب أصبحت مولای ومولی کل مسلم»

تاریخ بغداد - الخطیب البغدادی، الکتاب: تاریخ بغداد، المؤلف: أحمد بن علی أبو بکر الخطیب البغدادی،

الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، ج ۸، ص ۲۸۹، ح ۴۳۹۲

«ابن کثیر دمشقی سلفی» شاگرد ناخلف «ابن تیمیه» در کتاب «البدایة و النهایة» جلد هفتم صفحه ۳۵۰ می نویسد که عمر بن خطاب بلند شد و بعد از نزول آیه اکمال در غدیر گفت:

«هنيئًا لك يا ابن ابی طالب اصبحت اليوم ولی کل مؤمن»

البداية والنهاية - ابن كثير، الكتاب: البداية والنهاية، المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء،

الناشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج ٧، ص ٣٥٠، باب حديث غدیر خم

لذا این گرفتاری‌هایی است که ما داریم. بنده بارها گفتم که ما بیش از بیست و پنج سال است که با وهابیت درگیر هستیم، اما انتظار نداشتیم که روزی صدای وهابیت از حلقوم یک طلبه یا کسی که استاد حوزه است بیرون بیاید.

همچنین شخص دیگری در مشهد است. بنده معمولاً اسامی آنها را می‌برم. شخصی به نام «احمد در آیتی» سایتی راه اندازی کرده است که تقریباً بسیار بدتر از آقای «عابدینی» است. او حرف‌هایی می‌زند که وهابیت چنین حرف‌هایی نزدند.

او چند روز قبل در سایت خود نوشته بود که «عمر بن خطاب» و «ابوبکر» هم جزو آل محمد هستند و وقتی ما صلوات می‌فرستیم، بر آنها هم درود می‌فرستیم!!

بنده هم ذیل مطلب او نوشتم که ان شاءالله خداوند عالم جنابعالی و همفکرانتان را با عمر و ابوبکر محشور کند!!

با ذکر یک صلوات به سراغ سؤالات عزیزان می‌رویم.

**پرسش:**

آیا می‌توان علت تأثیرپذیری مردم و برخی خواص از فرق انحرافی را عدم معرفی صحیح امام معصوم و امامت دانست؟

## پاسخ: (نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، فضای مبارکی برای شیعه)

دوستان عزیز بعد از رحلت نبی گرامی اسلام که بنی امیه حکومت و خلافت را قبضه کردند، ائمه اطهار (علیهم السلام) و شیعه در حاشیه قرار گرفتند. فشار و اختناق بر ائمه اطهار (علیهم السلام) به حد اعلی رسید.

ائمه اطهار بسیاری از حقایق را نمی‌توانستند به صورت آشکار مطرح کنند. در حقیقت دوران شکوفایی عمر امامت، عصر امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) است.

آن بزرگواران توانستند فرصتی پیدا کنند و دانشگاه بزرگی تأسیس کنند که چهار هزار فارغ التحصیل داشت. تعبیر «شیخ مفید» در کتاب «إرشاد» این است که امام صادق چهار هزار شاگرد تربیت کردند.

با این وجود، حضرت در آخرین لحظات عمر نمی‌توانستند به صراحت وصیت کنند که امام بعد از من، امام موسی کاظم است. آن حضرت می‌فرماید که امام بعد از من «منصور دوانیقی»، حاکم مدینه، «حمیده» همسر من، «عبدالله افطح» و امام کاظم است. امام صادق در میان چندین نفر نام امام کاظم را جا می‌دهند.

بنی امیه آنچنان خفقان ایجاد کرده بودند که به مجرد اینکه می‌فهمیدند امام بعد چه کسی هست، هم جان امام در خطر بود و هم جان صحابه و شیعیان در خطر بود.

یکی از شبهاتی که این افراد مطرح می‌کنند، این است که می‌گویند بعضی از صحابه نام ائمه اطهار که دوازده نفر بودند را نمی‌دانستند!!

یکی از شبهات این آقای عابدینی اصفهانی هم که بسیار هم روی آن تکیه می‌کند. همین است که صحابه نام ائمه اطهار را نمی‌دانستند. اگر نام ائمه اطهار برده شده بود، صحابه سؤال نمی‌کردند که چه کسی امام است!!

«شیخ صدوق» به شبهات زیدیه پاسخ می‌دهند و تعبیری دارد که می‌گوید: بر فرض از میان چهار هزار شاگرد امام صادق، ده نفر یا سی نفر یا صد نفر هم نمی‌دانستند امام بعد چه کسی هست. آیا این دلیل بر این است که روایت اصل و ریشه‌ای ندارد؟

یکی از شبهات این شخص این است که ادعا می‌کند «زراره» با آن عظمت نمی‌دانست امام بعد از امام صادق چه کسی است. او پسر خود «عبیدالله» را به مدینه فرستاد تا بفهمد امام بعد از امام صادق چه کسی است.

قبل از اینکه «عبیدالله» پسر «زراره» برسد، لحظات آخر عمر «زراره» بود. او قرآن را بالای سرش گرفت و گفت: خدایا پسر من نیامد تا من بدانم امام بعد از امام صادق چه کسی است. هرکسی را در این قرآن امام معرفی کردی، من به او معتقد هستم.

من در جواب گفتم: بزرگوار! خود شما در آثارتان نوشتید که فجیع‌ترین سخن و زشت‌ترین سخن، سخنی است که واقعیت او را تکذیب کند.

امام صادق سال ۱۴۸ هجری شهید شده است و همگان این قضیه را قبول دارند. «زراره» سال ۱۵۰ دو سال بعد از شهادت امام صادق از دنیا رفته است. شما حرفی بگویید که کاملاً با واقعیت در تضاد نباشد.

مخالفین چنین روایاتی زیاد ساخته‌اند. ما روایات زیادی از ائمه اطهار (علیهم السلام) داریم که فرمودند:

«فَإِنَّ الْمُغْيِرَةَ بْنَ سَعِيدٍ لَعَنَهُ اللَّهُ دَسَّ فِي كُتُبِ أَصْحَابِ أَبِي أَحَادِيثَ لَمْ يَحْدِثْ بِهَا أَبِي»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲، ص

یا امام رضا (سلام الله علیه) دارد:

«لَعْنَتُكَ اللَّهُ وَ لَعْنٌ مِّنْ حَدِّكَ وَ لَعْنٌ يُّؤْنَسُ بِنِ ظَبْيَانَ أَلْفٌ لَعْنَةٍ تَتَّبِعُهَا أَلْفٌ لَعْنَةٍ كُلُّ لَعْنَةٍ مِنْهَا تُبَلِّغُكَ قَعَرَ

جَهَنَّمَ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۵، ص

۲۶۴، ح ۳

مشاهده کنید کسانی که در زمان ائمه اطهار حدیث سازی می‌کردند، به تعبیر «مرحوم مامقانی» در کتاب «تنقیح المقال» از بنی امیه و پس از آن از بنی عباس پول می‌گرفتند تا از زبان ائمه اطهار روایاتی را جعل و در میان مردم منتشر کنند.

هدف این افراد این بود که آبرو و حیثیت و وجهه ائمه اطهار را زیر سؤال ببرند. با وجود این اگر ما چندین راوی هم داشتیم که نام ائمه اطهار را نمی‌دانست، آسمان خراب شد و امامت به هم ریخت!؟

تاکنون که چهل سال است از عمر مبارک نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌گذرد. در این هزار و چهارصد سال چنین فضای مبارکی برای شیعه نبوده است. این فضا نه در دوران صفویه و نه در دوران آل بویه و دیگر حکومت‌ها نبوده است.

ما در طول این چهل سال واقعاً وجدان خود را قاضی قرار بدهیم و ببینیم فردای قیامت من و شما که افتخار پوشیدن یونیفرم سربازی امام زمان را داریم، به وظیفه خود در امر امامت عمل کردیم یا خیر!؟

اگر زمانی که سوار بر وسیله نقلیه هستیم و افراد حاضر در آنجا چندین شبهه از ما سؤال کنند، آیا واقعاً توان پاسخگویی داریم یا خیر.

## پرسش:

اینکه می گویند خروج سفیانی جزو نشانه‌های حتمی ظهور است و اینکه به شهادت بعضی افراد، سفیانی اکنون هشتاد سال دارد، صحیح است؟

## پاسخ: (آیا «سفیانی» که از نشانه های ظهور است، اکنون زنده است؟)

این حرف‌ها همگی حرف‌های بی اساسی است که شایعه شده است. زمانی در حوزه شایعه شده بود که آقای «بهلول» گفته است من سفیانی را دیدم که در سوریه متولد شده است!!

در ذهنم هست سال ۱۳۷۴ یا ۱۳۷۵ مشهد بودیم که آقای «بهلول» را در حرم امام رضا دیدم. ما از ایشان دعوت کردیم به منزلی که در آنجا ساکن بودیم بیایند و حدود پنج ساعت با ایشان صحبت داشتیم. ایشان گفت: "والله من چنین حرفی نزدم. من گفتم: شاید سفیانی به دنیا آمده باشد."

همچنین چندی بعد شایعه شده بود که آیت الله بهجت فرموده است که: "اگر من قبلاً می‌گفتم جوانان ما زمان ظهور را درک می‌کنند، الآن می‌گویم پیرمردهای ما هم درک می‌کنند."

بنده دو ماه قبل از رحلت آیت الله بهجت، با آیت الله خزعلی (رضوان الله تعالی علیه) خدمت ایشان بودیم که آقازاده ایشان هم حضور داشتند. آیت الله خزعلی از ایشان پرسید که از شما چنین حرفی نقل می‌کنند.

آیت الله بهجت فرمودند که دروغ محض است و من چنین حرفی نزدم. من گفتم: "ما آرزو می‌کنیم و از خداوند متعال می‌خواهیم که جوانان ما که هیچ، پیرمردهای ما هم زمان ظهور را درک کنند."

مشاهده کنید از یک دعای ساده چه شایعه‌ای درست می‌کنند! لذا دوستان عزیز شایعاتی در خصوص سفیانی هیچ ریشه و اساسی ندارد.

**پرسش:**

چند سال پیش شبهه‌ای دیدم که می‌گفت: امامت امام زمان از قرن ششم به بعد مطرح شده است. لطفاً جواب بدهید!

**پاسخ:** (آیا نام ائمه از زمان رسول اکرم مشخص بوده است؟)

برادر بزرگوارم! در مناظره‌ای که ما هفته گذشته در اصفهان داشتیم، یکی از شبهه‌اتی که آقای «عابدینی» مطرح می‌کند این است که می‌گوید روایاتی که می‌گوید اسامی ائمه اطهار توسط پیغمبر اکرم یا دیگر ائمه اطهار مطرح شده است، دروغ است!!

من گفتم: ما استقصاء کردیم بیش از سیصد روایت از رسول اکرم و ائمه اطهار وارد شده است که نام تک تک ائمه ذکر شده است، نه یکی یا دو مورد.

زمانی که پیغمبر اکرم به معراج رفتند، نام ائمه اطهار آنجا مطرح شده بود. در حدیث لوح نام حضرت صدیقه طاهره و اسامی ائمه اطهار مطرح شده است. در مناسبت‌های مختلف اسامی ائمه اطهار و حضرت ولی عصر مطرح بوده است.

این قضیه اختصاص به شیعه هم ندارد. بزرگان اهل سنت هم در قضیه حدیث معراج به صراحت اسامی ائمه اطهار را می‌آورند. اسامی ائمه اطهار در کتب اهل سنت الی ماشاءالله مطرح شده است.

«خوارزمی» یکی از علمای بزرگ اهل سنت است، به طوری که «ذهبی» در حد یک نبی مرسل از او تجلیل می‌کند.

او می‌نویسد:

«سمعت رسول الله ليلة اسرى بي إلى السماء... ثم اطلعت الثانية فاخترت منها عليا»

تا جایی که می‌نویسد:

«يا محمد تحب أن تراهم قلت: نعم يا رب، قال: فالتفت عن يمين العرش، فالتفت فإذا بعلي وفاطمة

والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى

ومحمد بن علي و علي ابن محمد و الحسن بن علي والمهدى»

سپس می‌نویسد:

« يا محمد هؤلاء الحجج ، وهذا الثائر من عترتك. يا محمد وعزتي وجلالي إنه الحجة الواجبة لأولياي،

والمنتقم من أعدائي»

مقتل الحسين؛ للخوارزمی، ج ۱، ص ۹۵

ما بیش از سیصد روایت در کتب شیعه داریم و روایات متعددی هم در میان اهل سنت داریم که نام ائمه اطهار از

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) تا حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) برده شده است.

حال ما از قضایای پشت صحنه خبر نداریم و نمی‌خواهیم قضاوت کنیم. ما حمل بر صحت می‌کنیم که آقایان

می‌خواهند حرفی نو بزنند!

ما نمی‌دانیم چطور شده است حرف نو روی مسائل و گرفتاری‌های مردم و قضایای پیش آمده نیامده است. آقایان در این زمینه‌ها حرف نو برای گفتن ندارند و حرف نو را تنها در رابطه با ائمه اطهار می‌زنند.

بنده جمله‌ای که به این شخص گفتم، این بود که گفتم: شما حدود چهارصد صفحه جزوه سیاه کردید و ائمه اطهار و ولایت را زیر سؤال بردید و در نهایت هم نتیجه گرفتید که ولایت فقیه هیچ سندی ندارد!!

اگر شما واقعاً با ولی فقیه و ولایت فقیه مشکل دارید، مرد و مردانه ادله ولایت فقیه را نقد کنید. چرا در راستای انکار ولایت فقیه، ولایت ائمه اطهار را انکار می‌کنید و از آنجا ولایت فقیه را زیر سؤال می‌برید؟!

من نمی‌دانم این افراد به چه مرضی گرفتار شده‌اند. ما روزی با آقای «عبدالله نوری» پشت سر آیت الله شبیری زنجانی نماز صبح را در حرم مطهر حضرت معصومه می‌خواندیم. ما بعد از نماز به صحن حرم آمدیم و من به ایشان گفتم: آقای «نوری» اگر شما واقعاً با ولی فقیه مشکل دارید، چرا پاپیج امیرالمؤمنین شدید؟ او گفت: من چکار کردم؟ بنده گفتم: شما در مقاله‌ای که دو روز پیش نوشتید، جمله:

«فَأَنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ مَا أَن أُخْطِئُ»

را آوردید و نوشتید که مردم مشاهده کنید علی بن ابی طالب امام شیعیان نوشته است که من خطا می‌کنم. بنابراین تکلیف ولی فقیه مکشوف خبرگان رهبری هم روشن است. گفت: مگر خلاف است؟

من گفتم: آقای «نوری» چرا عبارت حضرت امیرالمؤمنین را تقطیع می‌کنید؟ فردا نزد حضرت چه جوابی دارید؟  
حضرت می‌فرماید:

«فَأَنِّي لَسْتُ فِي نَفْسِي بِفَوْقِ أَنْ أُخْطِئَ وَ لَا آمَنُ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِي إِلَّا أَنْ يَكْفِيَهُ اللَّهُ مِنْ نَفْسِي»

نهج البلاغة (للسبحي صالح)؛ نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین؛ محقق / مصحح: فیض الإسلام،

ناشر: هجرت قم، ۱۴۱۴ ق؛ حق الوالی و حق الرعیة؛ ص ۳۳۵

حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در ادامه این مناجات می‌فرماید که مگر اینکه خداوند مرا از هرگونه خطا حفظ کند. این کار شما همانند این است که ما آیه شریفه:

(إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ)

من فقط بشری هستم همچون شما.

را تنها بیاوریم و ادامه آن:

(يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ)

(امتیازم این است که) به من وحی می‌شود که معبود شما تنها یکی است.

سوره کهف (۱۸): آیه ۱۱۰

را حذف کنیم. چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او حرفی نداشت و فقط سر خود را پایین انداخت و رفت.

این افراد به مرض‌هایی مبتلا شدند که می‌خواهند ولی فقیه و ولایت فقیه را زیر سؤال ببرند، اما به دلیل اینکه

مردانگی و شجاعت ندارند از ولایت اهل بیت و امیرالمؤمنین شروع می‌کنند!!

آن‌ها در نهایت نتیجه می‌گیرند به دلیل اینکه اهل بیت منصوص الخلافه نیستند، ولی فقیه هم منصوص الخلافه نیست!! این مصیبتی است که ما امروز به آن گرفتار شدیم و نمی‌دانیم چکار باید کنیم.

**پرسش:**

در مجموع راجع به اتفاقاتی که در عراق در حال وقوع است، با توجه به فضای جهان اسلام می‌توان گفت ظهور نزدیک است؟

**پاسخ:**

اینطور قضایا که ما از حوادثی که پیش می‌آید پیش بینی کنیم که دلیل بر ظهور است، اشتباه است.

«مرحوم سید بن طاووس» متوفای ۶۶۴ هجری است و متعلق به قرن ششم و هفتم هجری است. ایشان در کتابی که به پسرش «محمد» نوشته است، می‌نویسد: "حوادثی که در عصر ما اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد که ظهور نزدیک است و عالمی که قبل از ظهور حضرت ولی عصر زمینه را فراهم می‌کند من هستم!"

حال مشاهده کنید از آن سال تاکنون چند سال گذشته است؟ هنوز هم هیچ خبری نشده است. ما در روایت داریم شیعه که شب می‌خوابد، باید آنچنان بخوابد که یقین کند فردا ظهور است. مراد از این روایت این است که باید خود را آماده کرده باشد.

از آن طرف هم داریم که:

## «كَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۳۶۸، ح ۲

من تقاضا دارم این قضایا مطرح نشود. زمانی که «ملک عبدالله» مُرد، افراد زیادی حتی بعضی از اعظم حوزه علمیه در فضای مجازی نوشتند: در روایت آمده است که اگر «عبدالله» پادشاه عرب از دنیا رفت به من بشارت بدهید، من بشارت فرج را می‌دهم.

در حال حاضر نزدیک به دوازده سال است که «ملک عبدالله» مُرده است و هیچ خبری هم نشده است.

ما نباید با اعتقاد جوانان بازی کنیم. ما نه تنها فردا صبح، بلکه همین الآن که در حال سخنرانی هستیم از خداوند عالم می‌خواهیم به حق حضرت فاطمه زهرا قبل از پایان سخنرانی ما فرج را برساند.

آرزوی ما این است، اما این که بگوییم این حوادث نشانگر این است که فرج نزدیک است اشتباه است. امکان دارد فرج به تأخیر بیفتد و جوانان ما در دیگر اعتقادات خود هم متزلزل می‌شوند.

### پرسش:

برخی از دانشمندان اهل سنت می‌پذیرند که پیامبر در روز و ساعت آخر عمر می‌خواست نام دوازده جانشین را معرفی کند. پس بر چه اساسی این افراد همچنان روی سنی مذهبی خود اصرار دارند؟ حقیقت چیست؟

**پاسخ:** (چرا اهل سنت در پذیرش حق لجاجت می کنند؟)

وقتی خداوند عالم به پیغمبر اکرم خطاب می کند:

**(إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ)**

تو نمی توانی کسی را که دوست داری هدایت کنی، ولی خداوند هر کس را بخواهد هدایت می کند.

**سوره قصص (۲۸): آیه ۵۶**

هدایت دست خداوند است. دلیل آنکه این افراد عدم رغم اینکه این مطالب را نقل می کنند، بازهم بر حرف خود اصرار دارند بحث دیگری است.

افتخار ما این است افزون بر اینکه ما در کتابهای خودمان ادله محکم و قاطع بر امامت ائمه اطهار داریم، از کتابهای اهل سنت هم دلیل قاطع داریم. حال در مورد اینکه چرا مذهب شیعه را نمی پذیرند بحث دیگری است.

بنده در یکی از سالها دزفول بودم. یکی از علمای بزرگ دزفول به نام آیت الله نبوی که ان شاءالله خداوند ایشان را بیاورد قضیه ای را برایم نقل کرد. ایشان گفت که من در زمان آیت الله العظمی بروجردی به مدینه مشرف شده بودم و با نماینده ایشان آیت الله لواسانی دیداری داشتیم. ایشان به من گفت: من با امام جمعه و خطیب مسجد النبی دوست هستیم. ایشان یک روز ماه رمضان به منزل ما آمد و به من گفت: شیخ! برای من قهوه بیاور.

من گفتم: ماه رمضان است، روزه نیستید؟ کسالتی دارید که نمی توانید روزه بگیرید؟ او گفت: گمان نمی کردم که سؤال نکیر و منکر را باید در اینجا جواب بدهم. من مهمان شما هستم، برای من قهوه بیاور.

من قهوه آوردم، او قهوه را خورد سپس شروع به گریه کرد به طوری که قطرات اشکش جاری شد. گفت: من با مطالعه آیات و روایات قطع پیدا کردم علی حق است و کسی که ولایت علی (علیه السلام) را نداشته باشد با سر وارد آتش جهنم می‌شود.

ایشان می‌گویند من گفتم: شما که قطع پیدا کردی چرا ولایت علی بن ابی طالب را قبول نمی‌کنی و ایمان نمی‌آوری؟ او گفت: هر کار می‌کنم ولایت علی در دلم نمی‌رود. خیلی تلاش کردم که ولایت علی را در دلم وارد کنم، اما نشد. یقین دارم که فردای قیامت وارد آتش جهنم می‌شوم. دیوانه نیستم که هم در اینجا گرسنگی و تشنگی بکشم هم در آنجا در آتش جهنم باشم!!!

این همان تعبیری است که خداوند متعال می‌فرماید: **(إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ)!**

بنده یکی از شب‌ها در مکه مکرمه با «پروفسور غامدی» مناظره داشتیم. در همان سال پسر ایشان در دانشگاه ام القری مقطع کارشناسی ارشد، سال آخر درس خود را می‌گذراند. در آن شب تعدادی از آقایان از جمله «دکتر زمانی» هم با ما بودند.

پسر «پروفسور غامدی» با ماشین خود، ما و تعدادی از علمای اهل سنت را به بعثه آورد. او می‌گفت: بحث شما باعث شد من که بیست و پنج سال نسبت به شیعه عقیده‌ای داشتم، برای همیشه از عقیده خود برگشتم!

بحث سر این بود که شیعه، اهل سنت را کافر می‌داند. ایشان چند برگه فتوکپی از کتب حضرت امام خمینی و آیت الله خوئی مطرح کرد و وسط گذاشت.

من گفتم: دکتر از شما خیلی بعید است. شما عبارتی از امام خمینی و آیت الله خوئی آوردید، اما قبل و بعد آن را نیاوردید. او گفت: چطور؟

بنده گفتم: امام عبارتی را از بعضی افراد نقل می‌کند که معتقد به لجاجت اهل سنت هستند و ایشان با شدت و حدت و الفاظ بسیار تند آنها را پاسخ می‌دهد. شما شبهه را آوردید و جواب را نیاوردید! بنده سپس کامپیوتر را باز کردم و گفتم: این تحلیل امام خمینی و این هم تحلیل آیت الله خوئی است.

بنده از آن قضیه اطلاع داشتم که بحث و مناظره ما کاملاً در پسر او اثر گذاشته بود، اما دو ماه بعد از اینکه ما به ایران آمدیم مشاهده کردیم که آقای دکنز غامدی به یکی از شبکه‌های وهابی رفته و صحبت می‌کند و دلیل می‌آورد که شیعیان معتقدند سنی نجس است. او باز هم همان فتوکپی کتاب امام خمینی و آیت الله خوئی را به مردم جلوی دوربین نشان می‌دهد! با این افراد چکار کنیم؟

به یک سؤال دیگر هم پاسخ بدهیم. البته بنده از استقبال دوستان خیلی تشکر می‌کنم. سؤالات خیلی زیاد است.

ان شاءالله این سؤالات را در جلسه آینده که افتخار پیدا می‌کنیم در خدمت دوستان باشیم پاسخ خواهیم داد. در جلسه آینده ما اصلاً صحبت نمی‌کنیم و از ابتدای جلسه این سؤالات را مطرح می‌کنیم.

با دوستانی که اصرار داشتند شرط کردیم؛ البته بنده از اینکه در جمع رفقا و اهل علم باشم، برای خودم افتخار می‌دانم و برای من یک زنگ تفریح است. شاید بالاترین لذت عمر من این است که در جمع عزیزان سپاهی و عزیزان حوزوی می‌روم.

البته عزیزان که همگی اجلاء هستند. زمانی که در حوزه علمیه ما را به سخنرانی برای طلاب پایه‌های یک و دو و سه دعوت می‌کنند، من بدون قید و شرط اگر کار و جلسه هم داشته باشم برنامه خود را تعطیل می‌کنم و برای سخنرانی می‌روم.

دو جلسه است که هرگاه زنگ می زنند، ولو اینکه بیماری شدید هم داشتیم به آن جواب مثبت دادم؛ یکی عزیزان سپاه است که در هرکجای کشور هم بوده و زنگ زدند به آن جواب مثبت دادم و دیگری عزیزان حوزه علمیه است.

بنده کاری به ایمان و انقلاب و دیگر مسائل ندارم، اما امنیت خود و زندگی و اهل و عیالم را مرهون خدمات عزیزان سپاهی می دانم. امام خمینی می فرمایند: اگر سپاه نبود، کشور نبود! زمانی که در جمع سپاهیان صحبت می کنم، می گویم که من آمدم تا بدهی خود را پس بدهم.

عزیزان طلبه هم عزیزان و سروران ما هستند. ما به بعضی از بزرگان و اساتید درس پس می دهیم و با عزیزان همسن و سال هم، مباحثه علمی می کنیم.

من خدمت آقایان گفتم که اگر پرسش و پاسخ باشد در خدمت آقایان هستم، اما خطابه و سخنرانی باشد معذور هستیم. بنده گمان می کنم حدود پنجاه سؤال به دست بنده رسیده است. ما از این میان به پنج سؤال پاسخ دادیم و مابقی را هم در جلسه بعد پاسخ خواهیم داد. بنده به عنوان آخرین سؤال به یک سؤال دیگر هم پاسخ بدهم.

### پرسش:

علت اینکه مکه مکرمه تا به حال در دست وهابیت مانده و علی الظاهر تا قیام حضرت مهدی هم باقی خواهد ماند، چیست؟ آیا خداوند متعال در این مسئله برنامه های خاصی دارند؟ حکمت آن چیست؟

### پاسخ: (نقش مثلثی شوم، در تشکیل فرقه وهابیت!)

در خصوص اینکه مکه در اختیار وهابیت است، اگر عزیزان تاریخ وهابیت را ملاحظه کنند مشاهده می کنند که وهابیت سال ۱۱۵۷ هجری در اطراف ریاض ظهور کردند. وهابیت سابقه چندانی ندارد.

درست است که «ابن تیمیه» لیدر وهابیت متوفای ۷۲۸ هجری است و حرف‌هایی زده است، اما علمای اهل سنت حرف‌های او را بایکوت کردند و از حرف‌های او خبری نبود تا زمانی که «محمد بن عبدالوهاب» در قرن یازدهم و دوازدهم مطالبی آورد.

وهابیت سال ۱۱۵۷ هجری در اطراف ریاض منطقه درعیه، مثلث شومی تشکیل دادند. یک طرف این مثلث شوم «محمد بن عبدالوهاب» جد اعلای مفتی اعظم فعلی عربستان سعودی بود.

طرف دیگر این مثلث شوم «محمد بن سعود» جد اعلای «ملک سلمان» بود و ضلع سوم این مثلث هم مستشاران انگلیسی بودند. قرار شد فتوای تکفیر از «محمد بن عبدالوهاب»، کشت و کشتار با «محمد بن سعود» و پشتیبانی نظامی هم با نظامیان انگلیسی باشد.

وهابیت اولین حرمی که آن را ویران کردند، حرم «زید» برادر عمر بن خطاب بوده است که در منطقه درعیه آن را ویران کردند.

آن‌ها مسلمانان را به بهانه اینکه کافر هستند می‌کشتند و اموالشان را به عنوان غنائم جنگی می‌بردند. وهابیت از سال ۱۱۵۷ هجری تا ۱۲۳۴ هجری در عربستان حکومت کردند.

زمانی که جنایت وهابیت به حد اعلی رسید، دولت عثمانی دستور داد حمله کردند و مرکز حکومتی آنها که درعیه بود را با خاک یکسان کردند و حتی یک دیوار نیم متری هم باقی نگذاشتند و سران مثلث شوم در به در شدند.

یکی از کسانی که در به در شد، پدر «ملک عبدالله» و «ملک سلمان» بود که به کویت پناهنده شد. او ماهیانه از سفارت انگلیس پولی دریافت می‌کرد.

ایشان در سال ۱۳۱۸ به عربستان برگشت، نیرو تشکیل داد و دو مرتبه دولت تشکیل دادند. در آن زمان دولت شرفا و سادات در عربستان مستقر بودند، اما دولت بی عرضه‌ای بودند. دولت جدید وهابی، آنها را کشتند و نابود کردند. در سال ۱۳۳۲ یا ۱۳۳۳ هجری که قبرستان بقیع را ویران کردند، از زمان حکومت جدیدشان چیزی نگذشته بود. در حال حاضر از زمان آن دولت نزدیک به صد سال می‌گذرد و بیش از صد سال نیست. سابقاً حکومت دست آنها نبود و دست دیگران بوده است، اما در مورد اینکه حکمت الهی چیست قرآن کریم می‌فرماید:

**(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)**

خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنها خود را تغییر دهند.

**سوره رعد (۱۳): آیه ۱۱**

سنت الهی بر این است که اگر مردم از خودشان مردانگی و شجاعت نشان بدهند، خداوند عالم آنها را کمک خواهد کرد؛ همو که می‌فرماید:

**(وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ)**

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

**سوره نجم (۵۳): آیه ۳۹**

اگر مردم از خودشان بی عرضگی نشان بدهند، خداوند عالم هم آنها را کمک نخواهد کرد.

در زمان حضرت امیرالمؤمنین هم مسلمانان زیادی وجود داشتند. حضرت می‌فرماید: اگر روزی که خلافت مرا غصب کردند چهل نیرو داشتم، با این افراد مبارزه می‌کردند.

مسلمانان نزد من آمدند و عرضه داشتند: یا امیرالمؤمنین! چرا قیام نمی‌کنید؟ من گفتم: اگر راست می‌گویید فردا شمشیر به دست با سر تراشیده در فلان منطقه حاضر شوید.

وقتی به آنجا رفتم چهار نفر بیشتر نیامده بودند که «سلمان» و «ابوذر» و «مقداد» بودند. حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌فرماید: آیا با دست خالی قیام کنم؟

رسول گرامی اسلام سیزده سال در مکه بودند، در حالی که امکانات نداشتند تا حکومت تشکیل دهند. عزیزان حضرت، جلوی چشمشان پرپر می‌شدند و حضرت تحمل می‌کردند.

وقتی پیغمبر اکرم به مدینه آمدند نیرو پیدا کردند و مردم از آن بزرگوار حمایت کردند، حکومت تشکیل دادند و در برابر قریش ایستادگی کردند.

امروز هم دنیا به این شکل است. اگر امروزه نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) و ولی فقیه وفادار باشیم، قطعاً آینده و حکومت از آن ماست. همانطور که قرآن کریم می‌فرماید:

**(وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ)**

و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.

سوره آل عمران (۳): آیه ۱۳۹

اگر این چنین باشد ما جلو می‌رویم، نمی‌دانیم آینده ما چه سرنوشتی پیدا خواهد کرد. من بر این عقیده هستم  
نظام مقدس جمهوری اسلامی با تمام انتقاداتی که همه داریم، در پناه اهل بیت عصمت و طهارت حفظ خواهد شد.

شاید انتقادات ما از آقایان مخالفین بسیار بیشتر باشد. این انتقادات در زمان حکومت پیغمبر اکرم و امیرالمؤمنین  
هم بود. در آن زمان حکومت ایده آل مدینه فاضله که نبود.

با تمام این احوالات ایران در کره زمین تنها کشوری است که محرم و صفر صدای عزاداری حضرت سیدالشهدا و  
وفاداری به حضرت سیدالشهدا در تمام رسانه‌های این نظام و در و دیوار و مساجد و حسینیه‌ها برمی‌خیزد.

ایران در ایام فاطمیه تنها کشور کره زمین است که از آن صدای مظلومیت حضرت صدیقه طاهره به گوش جهانیان  
می‌رسد. از کرم اهل بیت و حضرت فاطمه زهرا بعید و ابعده است که این مردم و این نظام را در بحران‌ها تنها بگذارند.

اگر قرار بود بحران‌ها این نظام را از پای درآورد، همان سال اول و دوم انقلاب از پا درآورده بود. ما به نصرت الهی و  
عنایت اهل بیت (علیهم السلام) امیدواریم و یقین داریم آنها این ملت را تنها نخواهند گذاشت.

به تعبیر حضرت امام خمینی خداوند به ما توفیق خواهد داد که این انقلاب و این نظام را به دست توانمند حضرت  
ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) تقدیم خواهیم کرد.

خدایا به آبروی حضرت فاطمه زهرا هرچه سریع‌تر فرج مولایمان حضرت ولی عصر را نزدیک بگردان. خدایا ما را از  
یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت بقیه الله الأعظم متصل  
بفرما.

خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. خدایا شر دنیا و آخرت را از ما دور بگردان. خدایا بر تمام خدمتگزاران به  
اسلام و قرآن و اهل بیت به ویژه مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید توفیق روزافزون عنایت بفرما.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلواتی ختم بفرماید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته